



همایش سراسری رویکردهای نوین ارزشیابی آموزشی در علوم پزشکی

مشهد مقدس - ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹



موانع و راهکارهای آموزش به مددجو از دیدگاه مربیان، پرستاران و دانشجویان علوم پزشکی گناباد

محمد رضا منصوریان، لاله حسینی شهیدی، دکتر شهلا خسروان، داضیه سرچاهی، مجید بانوی

زمینه و هدف: ارتقاء سطح سلامت نیازمند تغییر در شیوه زندگی است و بخش عظیمی از این تغییر با آموزش صورت می گیرد. از آنجائیکه پرستاران مستقیماً مراقبت از بیمار را برعهده دارند در فعالیتهای خود می توانند نقش آموزشی نیز داشته باشند. بررسی ها نشان داده که انجام برنامه های آموزش به بیمار توسط پرستاران موفق تر انجام می شود زیرا آنان در دسترس هستند، بیماران آنها را می شناسند، تماس مستقیم با بیمار دارند و به آنها اعتماد دارند. بیماران جهت شناخت و درک موقعیت خود، تصمیم گیری جهت انجام مراقبت ها و تغییر رفتارهای بهداشتی نیازمند کمک و آموزش می باشند. تاثیر آموزش به بیمار در پژوهش های مختلف تایید شده است، به طوری که عدم آگاهی کافی بیمار از چگونگی دستورات مراقبتی موجب شکست ۱/۳ بیماران در ادامه دستورات پزشکی می شود.

روش مطالعه: این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی بوده که در آن جامعه پژوهش دانشجویان، مربیان و کارشناسان پرستاری شاغل در دانشگاه علوم پزشکی می باشد. نمونه های مورد پژوهش دانشجویان پرستاری ترم ۴ و بالاتر، کارشناسان پرستاری شاغل به خدمت و مربیان پرستاری عضو هیئت علمی و یا آموزشی بوده است. روش نمونه گیری بصورت آسان و متناسب با حجم بوده و حجم نمونه ها برابر ۱۳۸ مورد می باشد. ابزار پژوهش پرسشنامه ای مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک، سوالات مربوط به موانع آموزش به بیمار در شش بخش مدیریت، محیط فیزیکی، تجهیزات و بودجه، کفایت علمی و عملی پرستاران، کمبود منابع انسانی، کمبود وقت و حجم کار زیاد و وضعیت جسمی و روحی بیمار بوده است. و یک سوال باز در مورد راهکارهای پیشنهادی می باشد.

یافته ها: ۸۹.۶ درصد از نمونه های مورد پژوهش مشکلات آموزش به مددجو را مربوط به مدیریت پرستاری دانسته که بین شغل های مختلف مربی پرستار و دانشجو در این خصوص اختلاف معنی داری وجود ندارد ($P=0/881$). ۸۹.۶٪ بیشترین درصد نمونه های مورد پژوهش موافقت نسبی خود را با ارتباط بین کفایت علمی و عملی به عنوان یک مشکل اساسی بر سر راه آموزش به مددجو اعلام داشته و ۷۲٪ از نمونه های مورد پژوهش موافق یا نسبتاً موافق بوده اند که کفایت علمی و عملی پرستاران برای آموزش به مددجو ناکافی است. ۷۶/۶٪ از نمونه های مورد پژوهش کاملاً موافق یا موافق بوده اند که محیط فیزیکی و تجهیزات و بودجه بعنوان یک مانع برای آموزش به مددجو می باشد. ۷۳.۵٪ نمونه های مورد پژوهش موافقت کامل یا موافقت خود را با کمبود وقت و حجم کاری زیاد پرستاران بعنوان یک مانع برای آموزش به مددجو عنوان کرده اند. ۴۵.۶٪ نمونه ها موافقت نسبی خود را با شرایط جسمی و روحی مددجو بعنوان مانع آموزش به بیمار و ۲۷.۹٪ موافق و ۱۵.۴٪ آنان مخالف این امر بوده اند.

بحث و نتیجه گیری: موانع آموزش مددجو به ترتیب مربوط به مدیریت و بعد از آن محیط فیزیکی، تجهیزات و بودجه و سپس کفایت علمی و عملی پرستاران و کمبود منابع انسانی بوده همچنین کمبود وقت و حجم کار زیاد و وضعیت جسمی و روحی بیمار رتبه های بعدی را به خود اختصاص داده است. ارتباط معنی داری بین جنس نمونه های مورد پژوهش، شغل و مقطع



همایش سراسری رویکردهای نوین ارزشیابی آموزشی در علوم پزشکی

مشهد مقدس - ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

تحصیلی و دیدگاه های آنها در مورد موانع ششگانه آموزش به مددجو وجود نداشته است . این یافته مبین این است که کلیه نمونه های مورد پژوهش صرف نظر از شغل ، مقطع تحصیلی و جنس در خصوص موانع موجود بر سر راه آموزش به مددجو اتفاق نظر دارند که این نتیجه برنامه ریزان را در خصوص مداخله برای حل مشکلات آموزش مددجو مجاب تر نموده و ضرورت اقدام در این خصوص بیش از پیش تایید می کند .

واژه های کلیدی : موانع و راهکارها - آموزش - مددجو - علوم پزشکی - گناباد